

پیش‌بینی تعارض زناشویی بر اساس روان‌بنه‌ها،
سبک‌های دلبستگی و بخشودگی

**Prediction of marital conflicts according to schemes,
attachment styles and impunity**

A. Moradi, Ph.D.

دکتر آسیه مرادی*

K. Yazdanbakhsh, Ph.D.

دکتر کامران یزدانبخش*

A. Basati, M.A.

آزیتا بساطی**

چکیده

خانواده یک نظام اجتماعی و یکی از ارکان اصلی جامعه به‌شمار می‌رود و شناخت عواملی که سبب استحکام این نهاد اجتماعی می‌گردند، می‌تواند گامی بلند در راستای ارتقای سطح فرهنگ جامعه باشد. این پژوهش با هدف پیش‌بینی تعارض زناشویی بر اساس روان‌بنه‌ها، سبک‌های دلبستگی و بخشودگی انجام شد. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. نمونه شامل ۳۰۰ نفر از دبیران متأهل بود که به‌روش نمونه‌گیری خوشه‌ای در سال ۱۳۹۴ انتخاب شدند. ابزارهای گردآوری داده‌ها دربرگیرنده پرسشنامه روان‌بنه‌های اولیه، مقیاس سبک دلبستگی، پرسشنامه بخشودگی و پرسشنامه تعارض زناشویی بود. تحلیل داده‌ها با محاسبه ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام انجام شد نتایج نشان داد از بین روان‌بنه‌ها، روان‌بنه بریدگی و طرد ($\beta=0.12, p=0.01$)،

*. استادیار و عضو هیأت علمی گروه روانشناسی دانشگاه رازی

** . کارشناس ارشد روانشناسی دانشگاه رازی (نویسندهٔ مسؤول)

خودگردانی و عملکرد مختل ($\beta=0.34, p=0.01$) و محدودیت‌های مختل ($\beta=0.13, p=0.01$)، سبک دلبستگی نایمن اجتنابی ($\beta=0.11, p=0.01$) و سبک دلبستگی نایمن اضطرابی ($\beta=0.31, p=0.01$)، به صورت منفی و سبک دلبستگی ایمن ($\beta=-0.37, p=0.01$) و بخشودگی ($\beta=-0.63, p=0.01$)، به صورت منفی قادر به پیش‌بینی تعارض زناشویی می‌باشند. این یافته‌ها بدان معناست که بالا بودن روان‌بندها و داشتن سبک دلبستگی نایمن تعارض بین زوجین را افزایش می‌دهد و بالا بودن بخشودگی و داشتن سبک دلبستگی ایمن تعارض بین زوجین را کاهش می‌دهد.

واژه-کلیدها: روان‌بند، سبک دلبستگی، بخشودگی و تعارض زناشویی.

Abstract

Family is a social system and it is considered as one of the important bases of the society. Recognition of influential factors in enhancing this social entity can be a great step toward promotion of the society's cultural level. In this study the contribution of three constructs of schema, attachment style and forgiveness in predicting the marital conflict were examined. The study was descriptive and correlational. The sample includes married teachers who were selected through cluster sampling in 1394. Data collection tools are initial schema questionnaires, attachment style scale, forgiveness questionnaire and marital conflict questionnaire. Data was analyzed by calculating the Pearson correlation coefficient and stepwise regression analysis. The results show that among the schemas, the disconnection/rejection schema ($p=0.01, \beta=0.12$), impaired autonomy and performance ($p=0.01, \beta=0.34$), impaired limits ($p=0.01, \beta=0.13$), avoidant insecure attachment style ($p=0.01, \beta=0.11$), anxious insecure attachment style ($p=0.01, \beta=0.31$), secure attachment style ($p=0.01, \beta=-0.37$) and forgiveness ($p=0.01, \beta=-0.63$) predicted the marital conflict. The findings mean that higher schema and insecure attachment style would increase the marital conflict, and higher forgiveness and secure attachment style would decrease the marital conflict.

Keywords: schemes, attachment styles, impunity and marital conflict.

Contact information: Azitabasati@gmail.com

مقدمه

یک رابطه زناشویی صمیمی مستلزم آن است که زوجین یاد بگیرند با هم ارتباط برقرار کنند و با هم متفاوت باشند. اما گاهی اوقات بین آنها تعارض پیش می‌آید. عدم توافق در رابطه زناشویی امری طبیعی است، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که اگر زوجها بتوانند به شیوه مثبتی تعارضات را مدیریت کنند و توانایی حل آن را داشته باشند وجود تعارض بیشتر آسیب‌زا نیست (سیف‌ترز و شوارتز، ۲۰۱۰). تعارض^۱ در روابط صمیمانه امری طبیعی است و هنگامی رخ می‌دهد که یکی از زوجها از رابطه زناشویی راضی است و در آن واحد شخص مقابل در نارضایتی به سر می‌برد (بخشی‌پور، اسدی، کیانی، شیرعلی‌پور و احمد دوست، ۱۳۹۱). روی آورد شناختی به تعارض‌های زناشویی، ادراک‌های تحریف شده و تفکر غیرمنطقی را علت اصلی ایجاد اختلال و مشکلات زوج‌ها می‌داند. براساس این روی آورد روان‌بنه‌ها^۲ یا آنچه باورهای کلیدی خانواده است در ایجاد مشکلات نقش دارند.

روان‌بنه‌ها به الگوی خودتداوم‌بخشی از خاطره‌ها، هیجان‌ها، شناخت‌ها، احساس‌ها و ادراک‌ها گفته می‌شود که رفتارها را هدایت می‌کند، آن‌ها موضوعات ثابت و بلندمدتی هستند که در دوران کودکی به وجود می‌آیند و به زندگی بزرگسالی راه می‌یابند و تا حد زیادی ناکارآمدند (احمدی، علی‌اصغری و برجالی، ۲۰۱۳). روان‌بنه‌های مطرح شده توسط یانگ با توجه به پنج نیاز ارضانشده به پنج حوزه بریدگی و طرد^۳، خودگردانی و عملکرد مختل^۴، محدودیت‌های مختل^۵، دیگر جهت‌مندی^۶، گوش به‌زنگی بیش از حد و محدودیت^۷ تقسیم می‌شوند (یانگ، ۱۹۹۹، ترجمه حمیدپور و صاحبی، ۱۳۸۴). نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهند بالا بردن سطح سازگاری روان‌بنه‌ها باعث درک متقابل و کاهش تعارض می‌گردد (پناهی‌فر، یوسفی و امانی، ۲۰۱۴). پژوهش‌ها بیانگر رابطه روان‌بنه‌ها و تعارض زناشویی می‌باشد (اصغری، صادقی، زارع خاکدوست، انتظاری، ۱۳۹۴؛ نقدی، پویامنش و جعفری، ۲۰۱۳).

برخی از پژوهشگران بر این باورند که مشکلات زناشویی در سبک‌های دلبستگی^۸ زوجها ریشه دارند (کوباک، راکچسل و هازن، ۱۹۹۴). سبک دلبستگی تعیین‌کننده قواعد عاطفی، شناختی و راهبردهایی است که واکنش‌های هیجانی را در افراد و روابط بین شخصی هدایت می‌کنند (بیکر و هورگر، ۲۰۱۲). سبک دلبستگی یکی از عوامل مهم در روابط زناشویی است،

چرا که سبک دلبستگی چارچوبی فراهم می‌کند که به فهم دقیق و بهتر روابط زناشویی و شیوه‌های کنار آمدن با تعارض زناشویی کمک می‌کند (کیم‌برلی و بیکر، ۲۰۰۸). بالبی یکی از مهم‌ترین نظریه‌ها را در زمینه رشد عشق و دلبستگی ارائه داده است (بالبی، ۱۹۶۹). پیرو پژوهش‌های بالبی، اینزورث، بلهار، واترز و وال (۱۹۸۷)، سه سبک دلبستگی ایمن^۹، اجتنابی^{۱۰} و دوسوگرا/ اضطرابی^{۱۱} را تشخیص دادند. نتایج پژوهش‌ها نشان دادند سبک‌های دلبستگی پیش‌بینی‌کننده سبک‌های حل تعارض زناشویی هستند (کریمی بلداجی، ثابت‌زاده، فلاح‌چای و زارعی، ۲۰۱۴، پیستول، ۱۹۸۹). در پژوهشی نتایج نشان داد که افراد با دلبستگی ایمن رضایت زناشویی بیشتری را نسبت به افراد نا ایمن گزارش می‌دهند (اجیسی و جنکوز، ۲۰۱۱).

اغلب اوقات بخشودگی^{۱۲} راهی برای ترمیم جراحت‌ها و کاهش تعارض‌هاست. بخشودگی یک ویژگی شخصیتی مثبت است که در دو دهه اخیر در کشورهای غربی و به شکل محدود در ایران مورد بررسی قرار گرفته است و در سال‌های اخیر توجه زیادی را در روانشناسی به خود جلب کرده است؛ یکی از دلایل آن تأثیرات میان فردی مثبتی است که بخشودگی بر افراد دارد (ولکمن، ۲۰۰۹). مک کالوف که از پژوهشگران صاحب نام در زمینه بخشودگی معتقد است، بخشودگی عبارت است از ویژگی‌ای که در اثر آن شخصی که در روابط میان‌فردی مورد آزار قرار گرفته است، خطای فرد خاطی را می‌بخشد و بدین ترتیب فرصتی به فرد خاطی داده می‌شود تا بتواند دوباره اعتمادسازی کند (مک کالوف، ۱۹۹۷، به نقل از مالتبی و کن، ۲۰۰۸).

بخشودگی به عنوان متغیری مؤثر در حل تعارضات زناشویی در نظر گرفته می‌شود (چانگ، ۲۰۱۴). در پژوهشی نتایج نشان که بخشودگی از طریق افزایش همدلی باعث کاهش تعارض زناشویی و به تبع آن افزایش رضایت در رابطه می‌شود (لیسیگا، ۲۰۱۳). پژوهشی دیگر نشان داد بخشودگی از طریق افزایش تمایل برای حفظ رابطه و کاهش تعارضات زناشویی و به تبع آن دزدگی زناشویی نقش بازی می‌کند (برایت وایت، سلبی و فینچ من، ۲۰۱۱). تعارض بین اعضای خانواده به وحدت و یکپارچگی آن ضربه می‌زند و شدت آن موجب بروز نفاق^{۱۳} و ستیزه‌جویی^{۱۴} و سرانجام اضمحلال^{۱۵} نظام خانواده می‌گردد. کانون خانواده‌های که بر اثر تعارض و جدال بین زن و شوهر آشفته است، آثار مخربی در حیات کودک و فرزندان و خانواده

به‌جای می‌گذارد و در سال‌های آتی به‌صورت عصیان و سرکشی از مقررات اجتماعی بروز می‌کند (کرمی، زکی‌ای، علیخانی و خدادادی، ۱۳۹۱).

باتوجه به مطالب عنوان شده این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا روان‌بنه‌ها، سبک‌های دلبستگی و بخشودگی توان پیش‌بینی تعارض زناشویی را در دبیران متأهل زن کرمانشاه دارند؟

فرضیه‌های پژوهش

۱- بین روان‌بنه‌ها اولیه و تعارض زناشویی رابطه وجود دارد.

۲- بین سبک‌های دلبستگی و تعارض زناشویی رابطه وجود دارد.

۳- بین بخشودگی و تعارض زناشویی رابطه وجود دارد.

تعاریف مفهومی و عملی متغیرها

روان‌بنه: الگوهای هیجانی و شناختی خود آسیب‌رسانی هستند که در ابتدای رشد و تحول در ذهن شکل گرفته‌اند و در مسیر زندگی تکرار می‌شوند (یانگ، ۲۰۰۳، ترجمه حمیدپور و اندوز، ۱۳۸۶). در این پژوهش، روان‌بنه‌ها از طریق مقیاس روان‌بنه‌های یانگ (۲۰۰۵) اندازه‌گیری می‌شود.

سبک‌های دلبستگی: دلبستگی به ایجاد رابطه قوی بین دو نفر گفته می‌شود که هر یک از طرفین برای تداوم آن تلاش می‌کنند. عده‌ای از روان‌شناسان رشد معتقدند که دلبسته شدن کودک به مراقب در نخستین سال زندگی مبنای محکمی برای رشد بعدی او می‌شود (بالبی، ۱۹۹۷). در این پژوهش، سبک‌های دلبستگی از طریق مقیاس سبک دلبستگی بالبی هازن و شیور، (۱۹۹۴) مشخص می‌شود.

بخشودگی: ورتینگتون (۲۰۰۵)، بخشودگی را فرآیندی تعریف می‌کند که باعث افزایش درک از خود، یکدیگر و روابط شده و در آن طرفین خود را از سلطه افکار، احساسات و رفتارهای منفی بعد از تجربه یک واقعه ناخوشایند بین‌فردی می‌رهانند. در این پژوهش، بخشودگی از طریق مقیاس بخشودگی پولارد، اندرسون، اندرسون و جنکینگز (۱۹۹۸)

اندازه‌گیری می‌شود.

تعارض زناشویی: تعارض زناشویی را می‌توان ناشی از عدم هماهنگی زن و شوهر در نوع نیازها، روش‌های ارضای آن، خودمحوری، اختلاف در خواسته‌ها و رفتار غیرمسئولانه نسبت به ارتباط زناشویی و ازدواج دانست (شارف، ۱۹۹۶؛ به نقل از فرحبخش و همکاران، ۱۳۸۵). در این پژوهش تعارض زناشویی از طریق مقیاس ثنائی (۱۳۸۷) اندازه‌گیری می‌شود.

روش

طرح پژوهش: پژوهش حاضر در حیطه توصیفی (از نوع همبستگی) قرار می‌گیرد. یعنی هدف اصلی عبارت بود از دستیابی به رابطه بین متغیرهای پیش‌بین (روان‌بده‌ها، سبک‌های دلبستگی و بخشودگی)، با متغیر ملاک (تعارض زناشویی).

جامعه آماری، گروه نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه دبیران متأهل زن شاغل در آموزش و پرورش شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۹۵ تشکیل دادند. روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر خوشه‌ای است. برای این منظور از بین نواحی سه‌گانه آموزش و پرورش شهر کرمانشاه از هر ناحیه ۱۰ مدرسه به صورت تصادفی انتخاب شد که جمعاً ۳۰ مدرسه و تمامی دبیران این مدارس با توجه به ملاک‌های ورود (رضایت برای شرکت در پژوهش و داشتن حداقل یک فرزند بالای ۴ سال) و خروج (داشتن سابقه ازدواج قبلی) انتخاب شدند. با توجه به جدول مورگان حجم نمونه ۳۰۰ نفر در نظر گرفته شد.

ابزار گردآوری داده‌ها:

۱. پرسشنامه سبک‌های دلبستگی بزرگسالان (AAI): توسط هازن و شیور (۱۹۹۴) ساخته شده، یک ابزار خودگزارش دهی ۲۱ سؤالی است و سه زیرمقیاس دلبستگی ایمن، دلبستگی نایمن اجتنابی و دلبستگی نایمن دو سوگرا (اضطرابی) را می‌سنجد. طاهری (۲۰۰۹)، درستی این پرسشنامه را به وسیله همسانی درونی سبک‌های دلبستگی، ۰/۵۵ تا ۰/۷۴ به دست آورد و قابلیت اعتماد آن را با استفاده از روش بازآزمایی در دلبستگی ایمن ($I=0/84$) و در دلبستگی

پیش‌بینی تعارض زناشویی بر اساس روان‌بنه‌ها، سبک‌های دلبستگی و بخشودگی

ناایمن اضطرابی و اجتنابی ($r=0/78$) گزارش داده است. در این تحقیق ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌نامه ۰/۷۱ به‌دست آمد.

۲. پرسشنامه روان‌بنه‌های یانگ (نسخه دوم فرم کوتاه، ۲۰۰۵): ۷۵ گویه دارد و ۱۵ خرده‌مقیاس را می‌سنجد. هنجاریابی این پرسشنامه در ایران توسط آهی (۱۳۸۵) انجام شده است. همسانی درونی این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ در جمعیت زنان ۰/۹۷ و در جمعیت مردان ۰/۹۸ به‌دست آمده است. آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر برابر با ۰/۹۱ می‌باشد.

۳. پرسشنامه سنجش بخشش در خانواده: این پرسشنامه در سال ۱۹۹۸ ساخته شده است (پولارد، اندرسون، اندرسون و جنگینگز، ۱۹۹۸). مشکل از ۴۰ ماده بوده و از دو بخش اصلی تشکیل شده است. ۲۰ ماده اول آن مربوط به خانواده اصلی و ۲۰ ماده دیگر به روابط زناشویی فعلی مربوط می‌باشد. سیف و بهاری (۱۳۸۰)، در مطالعه‌ای بر روی یک نمونه ۷۶۶ نفری از متأهلین شهر تهران، قابلیت اعتماد کل آزمون را به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به‌دست آوردند. آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر برابر با ۰/۸۲ می‌باشد.

۴. پرسشنامه تعارضات زناشویی (MCQ-R) تجدیدنظر شده یک ابزار ۵۴ سؤالی است و دارای ۸ خرده‌مقیاس می‌باشد، که توسط باقر ثنائی (۱۳۸۷)، برای سنجیدن تعارض‌های زن و شوهری ساخته شده است. آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌ها در پژوهش ثنائی (۱۳۸۷) از این قرار است: کاهش همکاری ۰/۸۱، کاهش رابطه جنسی ۰/۶۱، افزایش واکنش‌های هیجانی ۰/۷۰، افزایش جلب حمایت فرزندان ۰/۳۳، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان ۰/۸۶، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان ۰/۸۹، جدا کردن امور الی از یکدیگر ۰/۷۱ و کاهش ارتباط مؤثر ۰/۶۹ پرسشنامه تعارضات زناشویی از درستی محتوایی خوبی برخوردار است. آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۸۹ می‌باشد.

داده‌ها یافته‌ها

ابتدا در مورد معناداری ضرایب همبستگی پیرسون ارائه شده در جدول شماره (۱) بحث خواهد شد. سپس، از طریق تحلیل رگرسیون، به تبیین سهم متغیر پیش‌بین در واریانس متغیر ملاک خواهیم پرداخت.

پیش‌بینی تعارض زناشویی بر اساس روان‌بנה‌ها، سبک‌های دلبستگی و بخشودگی

جدول ۱: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
بریدگی و طرد	۱									
خودگردانی و عملکردمستقل	۰/۴۶**	۱								
دیگرجهت‌مندی	۰/۲۲*	۰/۴۲**	۱							
گوش به زنگی بیش ازحد	۰/۳۷**	۰/۵۰**	۰/۴۶**	۱						
محدودیت‌های مختل	۰/۳۸**	۰/۴۷**	۰/۳۶**	۰/۶۹**	۱					
سبک دلبستگی ایمن	-۰/۲۹**	-۰/۳۸**	-۰/۳۰**	-۰/۵۱**	-۰/۴۹**	۱				
سبک دلبستگی نایمن اجتنابی	۰/۲۰**	۰/۳۰**	۰/۱۹**	۰/۳۷**	۰/۳۷**	-۰/۶۰**	۱			
سبک دلبستگی نایمن اضطرابی	۰/۳۵**	۰/۴۴**	۰/۲۴**	۰/۳۱**	۰/۲۸**	-۰/۴۰**	۰/۳۴**	۱		
بخشودگی زناشویی	-۰/۲۵**	-۰/۲۸**	-۰/۱۵*	-۰/۱۲*	-۰/۰۸۶	۰/۴۰**	-۰/۲۸**	-۰/۴۳**	۱	
تعارض زناشویی	۰/۳۲**	۰/۴۷**	۰/۲۸**	۰/۳۲**	۰/۳۵**	-۰/۵۶**	۰/۴۳**	۰/۴۹**	-۰/۶۳**	۱

* ۰/۰۱ ** ۰/۰۵

همانگونه که جدول شماره (۱) نشان می‌دهد بین روان‌بنه‌ها با تعارض زناشویی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. بین سبک دلبستگی ایمن با تعارض زناشویی رابطه منفی معناداری وجود دارد. و بین سبک دلبستگی نایمن اجتنابی و نایمن اضطرابی با تعارض زناشویی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین بین بخشودگی زناشویی با تعارض زناشویی همبستگی منفی معناداری وجود دارد. به‌منظور بررسی رابطه خطی میان روان‌بنه‌ها، سبک‌های دلبستگی و بخشودگی زناشویی با تعارض زناشویی، و نیز بررسی سهم متغیرهای پیش‌بین (روان‌بنه‌ها، سبک‌های دلبستگی و بخشودگی زناشویی) در واریانس متغیر ملاک (تعارض زناشویی)، از تحلیل رگرسیون همزمان استفاده شد. نتایج این تحلیل در جداول شماره (۲، ۳، ۴) آمده است.

پیش‌بینی تعارض زناشویی براساس روان‌بنه‌ها، سبک‌های دلبستگی و بخشودگی

جدول ۲: خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون روان‌بنه‌ها، سبک‌های دلبستگی و بخشودگی زناشویی با تعارض زناشویی

F	R ²	R	P	B	B	متغیرهای پیش‌بین
۲۰/۶۷	۰/۲۶	۰/۵۱	۰/۰۴	۰/۱۲	۰/۱۲	بریدگی و طرد
			۰/۰۰۱	۰/۳۴	۰/۶۵	خودگردانی و عملکرد مختل
			۰/۲۲	۰/۰۷	۰/۱۷	دیگرجهت‌مندی
			۰/۷۷	-۰/۰۲	-۰/۰۶	گوش به زنگی بیش از حد
			۰/۰۶	۰/۱۳	۰/۳۲	محدودیت‌های مختل
۶۷/۱۳	۰/۴۱	۰/۶۴	۰/۰۰۱	-۰/۳۷	-۱/۵	سبک دلبستگی ایمن
			۰/۰۵	۰/۱۱	۰/۶۸	سبک دلبستگی نایمن اجتنابی
			۰/۰۰۱	۰/۳۱	۱/۳۸	سبک دلبستگی نایمن اضطرابی
۱۹۳/۳۷	۰/۳۹	۰/۶۳	۰/۰۰۱	-۰/۶۳	-۰/۹۴	بخشودگی زناشویی

همان‌طور که جدول شماره (۲) نشان می‌دهد از بین روان‌بنه‌ها، روان‌بنه بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل و محدودیت‌های مختل، قادر به پیش‌بینی تعارض زناشویی می‌باشند. همچنین سبک دلبستگی ایمن به صورت منفی توان پیش‌بینی تعارض زناشویی را دارد، سبک دلبستگی نایمن اجتنابی و نایمن اضطرابی نیز به صورت مثبت توان پیش‌بینی تعارض زناشویی را دارند. و در نهایت اینکه بخشودگی زناشویی به صورت منفی توان پیش‌بینی تعارض زناشویی را دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های حاصل از این تحقیق بین روان‌بنه‌های سازش‌نا یافته اولیه با تعارض زناشویی و ابعادش رابطه معنادار و مثبت می‌باشد. نتایج حاصل از این فرضیه با یافته‌های پناهی‌فر، یوسفی و امانی (۲۰۱۴)، اصغری، صادقی، زارع خاکدوست و انتظاری (۱۳۹۳) و نقدی، پویامنش و جعفری (۲۰۱۳) همخوانی دارد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت روان‌بنه‌ها همیشه خود را در جریان یک رابطه نشان می‌دهند و باعث تأثیر در کنش‌وری رابطه می‌شوند. نظر به اهمیت خانواده به‌عنوان خواستگاه روان‌بنه‌ها می‌توان انتظار داشت که روابط زناشویی فضایی برای بازنمایی این روان‌بنه‌ها

می‌باشند (داتلیو و بیرشک، ۱۳۸۵). روان‌بنه‌ها موجب سوگیری در تفسیر رویدادها می‌شوند. این سوگیری در آسیب‌شناسی روانی به صورت نگرش‌های تحریف شده، فرض‌های نادرست، هدف‌ها و چشم‌داشت‌های غیرواقع‌بینانه در همسران پدید می‌آیند و این سوءبرداشت‌ها بر ادراک‌ها و ارزیابی‌های بعدی تأثیر می‌گذارند، زیرا روان‌بنه‌ها در مسیر زندگی تداوم دارند و در چگونگی رابطه فرد با خود و دیگران (به‌ویژه شریک زندگی) تأثیر دارند.

بر اساس یافته‌های تحقیق بین دلبستگی ایمن و تعارض زناشویی رابطه معنادار منفی وجود دارد. بین سبک دلبستگی دوسوگرا (اضطرابی) و سبک اجتنابی با تعارض زناشویی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های کریمی بلداجی، ثابت‌زاده، فلاح‌چای و زارعی (۲۰۱۴)، مقامی، حسینی و رسولی (۲۰۱۳) و اجیسی و جنکوز (۲۰۱۱) همخوانی دارد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت سبک دلبستگی در طول عمر فعال باقی می‌ماند و به‌عنوان یک اصل، چگونگی ارتباط با همسر را تعیین می‌کند (کن و نورمن، به‌نقل از حاتمی و همکاران، ۲۰۱۱). بزرگسالان دارای سبک دلبستگی ایمن آن دسته از افرادی هستند که یک حس مثبت نسبت به خود و درک مثبتی از دیگران دارند، حرمت خود بیشتری دارند و موفق‌ترند (فنی و نولر، ۱۹۹۰). بزرگسالان دارای سبک دلبستگی نایمن گرایش به داشتن دیدگاه کمتر مثبتی در مورد خود دارند، آن‌ها اغلب در مورد ارزش خودشان به‌عنوان یک همسر شک دارند و خودشان را برای فقدان پاسخگویی همسرشان سرزنش می‌کنند (بوگارتز، دالدر، کنب، کنت و باکوم، ۲۰۰۸).

افراد دلبسته اضطرابی دارای ترس فراگیر از طرد شدن از جانب همسر و وابستگی بیش از حد به همسران خود می‌باشند. در مقابل افراد اجتنابی با تکیه بر خود به‌هنگام رویارویی با تنیدگی، از مجاورت و توجه کردن به مظاهر دلبستگی اجتناب می‌کنند (موری و لیونگ، ۲۰۰۲).

همچنین بر اساس یافته‌های تحقیق بین بخشودگی و تعارض زناشویی رابطه منفی معنادار وجود دارد یعنی هرچه قدر نمره فرد در بخشودگی بالا باشد تعارض زناشویی کمتری دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های چانگ (۲۰۱۴)، لسیگا (۲۰۱۳)، برایت وایت، سلبی و فینچ من (۲۰۱۱)، همسو و هماهنگ است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت بخشودگی با توفیق پاسخ‌های خصمانه آشکار و نهان باعث کنترل تکانه‌های پرخاشگری، کاهش تعارض‌های زناشویی و دلزدگی روابط زناشویی می‌شود (ساداتی، مهربانی‌زاده و سودانی، ۱۳۹۳). از طرفی

درباره رابطه منفی بخشش با تعارض زناشویی نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهند که بخشش شامل جانشین کردن عواطف منفی با شفقت و بردباری است و در روابط صمیمانه باعث رشد همدلی بین زوجین می‌شود. بخشودگی می‌تواند تعاملات منفی زوجین را از بین برده و آن‌ها را در اتحادی دوباره به هم نزدیک کند (فلانگان و همکاران، ۲۰۱۲). نتیجه چنین اتحادی افزایش رضایت از زندگی مشترک و تلاشی منطقی برای حل تعارضات اجتناب‌ناپذیر زندگی مشترک است که در نتیجه آن زوجین می‌توانند عملکرد سالم خود را باز یافته و این الگو در نسل‌های بعدی تداوم می‌یابد (ورثینگتون، ۲۰۰۵).

از محدودیت‌ها پژوهش می‌توان به مواردی همچون طولانی بودن پرسشنامه‌ها و متعدد بودن آن‌ها، تک جنسیتی بودن نمونه اشاره کرد. یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای مشاوران خانواده و زناشویی مفید باشد و از طریق آموزش انواع روان‌بنه‌ها و بخشودگی برای زوج‌ها و تأثیر آن‌ها در زندگی، میزان سازگاری زناشویی آن‌ها را بالا برده، تعارضات را کاهش داده و زوج‌ها را در پیدا کردن مسیر درست زندگی همیاری نمایند. با توجه به اینکه سبک دلبستگی بر روابط بزرگسالی تأثیر بسزایی دارند پیشنهاد می‌شود طرح‌های آموزشی جهت ارتقای سطح آگاهی مادران و در خصوص روش‌های درست تعامل با فرزندان در سطح کشور اجرا شود.

پی‌نوشت‌ها:

- | | |
|-------------------------------------|--------------------------------------|
| 1- conflict | 2- Scheme |
| 3- disconnection & rejection | 4- impaired autonomy and performance |
| 5- Impaired limits | 6- Other directedness |
| 7- Over vigilance and inhibition | 8- attachment styles |
| 9- secure attachment | 10- avoidant attachment |
| 11- ambivalent / Anxious attachment | 12- impunity |
| 13- discord | 14- pugnacity |
| 15- vanishing | |

منابع و مآخذ فارسی:

آهی، ق. (۱۳۸۵). هنجاریابی نسخه کوتاه پرسشنامه روان‌بنه یانگ. پایان‌نامه کارشناسی ارشد

پیش‌بینی تعارض زناشویی براساس روان‌بنه‌ها، سبک‌های دلبستگی و بخشودگی

روانشناسی، تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.
 اصغری، فرهاد؛ صادقی، عباس؛ زارع خاکدوست، سمیه؛ انتظاری، مرجان. (۱۳۹۴). بررسی
 رابطه بین روان‌بنه‌ها با تعارض زناشویی و بی‌ثباتی زناشویی در بین زوجین متقاضی
 طلاق و زوجین عادی. *دوفصلنامه آسیب‌شناسی و مشاوره و غنی‌سازی*، ۵۸-۴۶.
 بخشی‌پور، ب.؛ اسدی، م.؛ کیانی، ا.؛ شیرعلی‌پور، ا. و احمددوست، ح. (۱۳۹۱). رابطه عملکرد
 خانواده با تعارضات زناشویی زوج‌ها در آستانه طلاق. *مجله دانش و پژوهش در
 روانشناسی کاربردی*، ۴۸، ۳۳-۱۰.

داتلیو، فرانک و بیرشک، بهروز. (۱۳۸۵). رفتاردرمانی شناختی زوج‌ها. *تازه‌های علوم شناختی*،
 سال ۱، شماره ۲.

ثناپی، باقر. (۱۳۸۷). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: بعثت.
 ساداتی، احسان؛ مهرابی‌زاده هنرمند، مهناز و سودانی، منصور. (۱۳۹۳). رابطه علی‌ت‌های تمایز یافتگی،
 نوروژگرای و بخشندگی با دلزدگی زناشویی با واسطه تعارض زناشویی. *مجله
 روانشناسی خانواده، دوره اول، شماره ۲*، ۵۵-۶۸.
 سیف، سوسن؛ بهاری، فرشاد. (۱۳۸۰). *استانداردسازی و هنجاریابی مقیاس سنجش بخشودگی
 برای خانواده‌های ایرانی*.

فرحبخش، کیومرث؛ شفیق‌آبادی، عبدالله؛ احمدی، سیداحمد و دلاور، علی. (۱۳۸۵). مقایسه
 میزان اثربخشی مشاوره زناشویی به شیوه شناختی الیس، واقعیت‌درمانی گلاسر و
 اختلاطی از آن دو در کاهش تعارضات زناشویی. *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره،
 جلد ۵، شماره ۱۸*، ۵۸-۳۳.

کریمی، جهانگیر؛ زکی‌بی، علی؛ علیخانی، مصطفی و خدادادی، کامران. (۱۳۹۰). رابطه توانش
 زندگی و تعارضات زناشویی با بهداشت روانی در زوجین. *فصلنامه مشاوره و
 روان‌درمانی خانواده ۱ (۴): ۴۷۲-۴۶۱*.

یانگ، جفری. (۱۹۹۹). شناخت درمانگری اختلالات شخصیت. ترجمه صاحبی و حمیدپور
 (۱۳۸۴). تهران: ارجمند.

یانگ، جفری. (۲۰۰۳). روان‌بنه درمانگری (راهنمای کاربردی برای متخصصین بالینی). ترجمه
 حمیدپور و اندوز (۱۳۸۶). تهران: ارجمند.

منابع و مأخذ خارجی:

- Ahmadi, F., Aliasghari, A.F., Borjali, M. (2013). The comparison of patient early suffering from coronary thrombosis with healthy individuals concerning early maldaptive schemas and emotion regulation strategies. *J Behave Sci.* 2014; 55-63(Persian).
- Ainsworth, M.D.S. Blehar, M.C., Waters, W., & Wall, S. (1987). *Patter of attacgment: Apsychological study of the strange situation*. Tih sadele, N.
- Baker, C.N., & Horger, M. (2012). Parental childerearing strategies influence self-regulation, socio emotional adjustment ,and psychopatology in early adulthood: Evidence from a retrospective cohort study. *personality and individual differences.* 52, 800-805.
- Bogertz, S., Wallder, A.L., Knnap, L.M.V., Kunst, M., & Buschman, J. (2008). Critical incident ,adult attachment style, and posttraumatic stress disorder: a comparison of tree groups of security workers. *social behavior and personality.* 36(8), 107-1063.
- Bowlby, H. (1969). *Attachment and loss.* separation, anxiety and anger. New York: Basic Books.
- Bolby, H. (1997). The making and breaking of affection bonds. Etiology and psychopathology in the right of attachment theory. *British journal of psychiatry.* 130, 201.
- Braithwaite, S.R., Selby, E.A., & Fincham, F.D. (2011). Forgiveness and relationship satisfaction: Mediating mechanisms. *Journal of Family Psychology.* 4, 551-559.
- Chung, M. S. (2014). Pathways between a attachment and marital satisfaction: The mediating roles of rumination, empathy, and forgiveness. *Personality and Individual Differences.* 7, 246-251.
- Egeci, I.S., & Gencoz, T. (2010). The effect of attachment styles, problem-solving skills and communication skills on relationship satisfaction. *social and behavioral sciences.* 30, 2324-2329.
- Flanagan, K.S., Vanden Hoek, K.K., Ranter, J.M., & Reich, H.A. (2012). The potential of forgiveness as a response for coping with negative peer experiences. *Journal of Adolescence.* 35, 1215-1223.
- Feeney, J.A., & Noller, P. (1990). Attachment style as a predictor of adult romantic relationship. *Journal of personality and social psychology.* 58, 281-291.
- Hatamy, A., Fathi, E., Gorgi, Z., & Esmaeily, M. (2011). The relationship between parenting styles and attachment styles in men and women with infidelity of procedia social and behacioral science, 15, 3743-3747.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1994). Deeper into attachment theory. *Psychological*

Inquiry, 5, 68-79.

- Karami Boldaji, B., Sabetzadeh, M., Fallah chi, S.R., & Zarei, A. (2014). Adult attachment styles as predictors of marital conflict resolution styles among teachers married Bandar Abbas. *Journal of counseling and family therapy*, 4(1), 86-110.
- Kimberly R.A., & Baker A.T. (2008). Attachment styles, alcohol, and childhood experiences of abuse; an analysis of physical violence and victims, 23, 52-65.
- Kobak, R.R. Ruckdeschel, K. & Hazan, C. (1994). *From Symptom to signal: An attachment view of emotion in marital therapy*. In S. Johenson & L. Greenberg (Eds), *The heart of the matter: Perspective on emotion in marital therapy* (pp.46-71). New York: Brunner/Mazel.
- Liceaga, M.D. (2013). "*You stay, no matter how bad*": women voice the trajectory of martial disaffection. Athesis presented to the faculty. Of san pigeon state university.
- Maltby, J., Wood, A.M., Day, I., & Kon, T.W.A. (2008). Personality peredictors of levels of forgiveness two and half years after the transgression. *Journal of Research in personality*, 42, 1088-1094.
- Moore, S., & Leung, C. (2002). Young people's romantic attachment styles and their associations with well-being. *Journal of Adolescence*, 25, 243-255.
- Nagdi, S., Pouyamanesh, J., & Jafari, A. (2013). The effect of group scheme therapy in decrease martial conflict and increase family efficiency Teach. *Journal engine & appsic*, 3(17): 2048-2053.
- Panahifar, S., Yousefi, N., & Amani, A. (2014). The effectiveness of schema. *Based couple therapy on early*. volume 103, Number.
- Pistole, M.C. (1989). Attachment in adult romantic relationships: Style of conflict resolution and relationship satisfaction. *Journal of Personality and Social Psychology*, 6, 505-510.
- Pollard, M., Anderson, R., Anderson, W. & Jenings, G. (1998). The development of family forgiveness scale. *Journal of family therapy*, 20, 95-109 .
- Siffertzs, A., & Schwarz, B. (2010). Spouses' demand and withdrawal during marital conflict in relation to their subjective well-being. *Journal of Social and Personal Relationships*. 28(2), 262-277.
- Taheri M. (2009). The relationship between Mothers attachment styles and social maturation of students mentally retarded students boys Shiraz. *Hakim Research Journal*; 7: 18-20 (Persian).
- Volkman, J.R. (2009). Alongitudinal analysis of the forgiveness processin romantic relationship. phd dissertation, Ge ovegemason university.
- Worthington, Everett (2005). *Handbook of Forgiveness*, New York, Routledge.
- Young, J.E. (2005). *Young Scheme Questionnaire-Short Form*. New York: Scheme Therapy Institute.